پانویسها:

۱- Fahrettin Olguner. ÜÇ Türk-Islam Mütefekkiri Ibn Sîna. Fahreddin Râzî, Nasireddin Tûsî Düş ün cesinde Varoluș: Kültür ve Turizan Bakanliği, Ankara, 1985

۲- Hamit Dilgan. Büyük Türk Âlimi Nasireddin Tusi. (I. T. Üniverssitesi, Mimarlik Fakültesi, Istanbul, 1968.

۳- L. Karpinski, *The Mathematics of the Orient*. 1934.

Louis Charles Karpinski متوفی به سال ۱۹۵٦ صاحب تألیفاتی چند در باب تاریخ علوم و ریاضی می باشد. البته نگارنده در هیچ فهرستی چنین کتابی از کارپینسکی نیافت. احتمالاً این عنوان برگرفته از یکی از کتابهای اوست که به ترکی ترجمه شده است.

جلال متینی

نیاکانِ هموطنان آذربایجانی ما چه کسانی هستند؟

اوغوزها (=ترکمانان) اجداد ترک زبانان آذربایجانند.

دکتر جواد هیئت

چند تن از خوانندگان ایران شناسی، پس از مطالعهٔ سرمقالهٔ شمارهٔ پیش مجله، زیر عنوان «پس بدِ مطلق نباشد در جهان...» تلفنی پرسشهایی را با ما در میان گذاشته اند بدین شرح: ۱- آیا به راستی دکتر جواد هیئت در کتاب خود نوشته است «زبان فارسی از خارج از ایران یعنی از آن طرف جیحون به وسیلهٔ ترکان غزنوی و سلجوقی به ایران آمده، و با قدرت سلاطین ترک، زبان رسمی و ادب ایران و آسیای صغیر و هندوستان گردیده و بعداً هم با همکاری شعرای کلاسیک ترک زبان به این پایهٔ ادبی رسیده است؟»؛ ۲- نام مورخانی که نوشته اند سلطان محمود غزنوی «چهل و پنج هزار معلم برای یاد دادن فارسی به مناطق ایران گسیل داشت» چیست؟ ۳- اگر مولانا جلال الدین و نظامی گنجوی و خاقانی شروانی و قطران تبریزی ترک زبان بوده اند، چرا آثاری به ترکی از ایشان باقی نمانده است، و چرا تمام آثارشان به زبان فارسی ست؟ ٤- اصولاً ترکان غزنوی و ترکمانان به چه مقصودی زبان فارسی را از شمال جیحون به ایران آوردند؟ ۵- پیش از این اقدام ترکان غزنوی و ترکمانان سلجوقی، ساکنان ایران به چه زبانی سخن می گفتند؟ نام آن زبان چیست و چه آثاری از آن موجود است؟ ٦- محمود غزنوی لابد این معلمان زبان فارسی را همراه خود از شمال جیحون به ایران آورده بوده است، پس شمال جیحون که حدود

جغرافیایی‌اش را دکتر جواد هیئت تعیین نکرده، مهد زبان فارسی بوده است؛ ۷- چه دلیلی در دست داریم که ثابت می کند قطران تبریزی و دیگر شاعرانی که وی نام برده است ترک زبان بوده اند؟

در پاسخ این گونه پرسشها به خوانندگان مجله پاسخ داده ایم که این موضوعهای بی سر و ته را ما جعل نکرده ایم، همهٔ اینها حاصل بخشی از پژوهشهای دکتر جواد هیئت است که ما از کتاب سیری در تاریخ زبان و لهجه های ترکی نوشتهٔ وی، با ذکر شمارهٔ صفحه و سال چاپ کتاب، نقل کرده ایم.

برای آن که بدانیم چرا وی چنین مطالبی را نوشته است، باید نظری به گذشته بیفکنیم. از آغاز قرن بیستم میلادی تاکنون، «پان» بازی در غرب آسیا رواج بسیار یافته است: پان اسلامیسم، پان تورکیسم، پان تورانیسم، پان عربیسم و حتی پان ایرانیسم. نظریه پردازان هر یک از این به اصطلاح مکتبها ادعاهایی می کنند که تاکنون هیچ محقق بیطرفی آنها را نپذیرفته و هیچ سند و مدرکی گفته های آنان را تأیید نکرده است. آنان نیز به سخنان منطقی و معقول مخالفان خود توجهی نمی نمایند. یکی از این دکانها «پان تورکیسم» است که علمداران آن نخست در عثمانی و ترکیه قدم به عرصهٔ وجود نهادند و سپس در جمهوری آذربایجان شوروی کسانی به تقویت پان تورکیسم و پان تورانیسم پرداختند. دکتر جواد هیئت پزشک آذربایجانی هموطن ما با آن که در نامهٔ مفصل خود به ایران شناسی این مطالب را نوشته است: «پان تورکیزم یک ایدئولوژی سیاسی ست که می خواهد تمام اقوامی را که زبان آنها جزء گروه زبانهای ترکی ست از شرق سیبری تا مرکز اروپا تحت یک پرچم و دولت درآورد»، «این ایدئولوژی خیالپرستانه در قوانین ترکیه جرم محسوب می شود»،[1] و خودِ وی نیز مطلقاً با این مکتب سر و کاری ندارد، و نیز با این که بار دیگر مقاله ای در روزنامهٔ کیهان، تهران با عنوان «پان تورکیزم، آرمان بی اعتبار» نوشته و آشکارا پان تورکیسم را محکوم ساخته است، سالهاست که از آن مکتب الهام می گیرد و آراء صد در صد نادرست نظریه پردازان آن مکتب را در نوشته های خود به زبان ترکی و فارسی تکرار، و این دو بیت حافظ را با خود زمزمه می کند که «بارها گفته ام و بار دگر می گویم/ که من دلشده این ره نه به خود می پویم/ در پس پردهٔ طوطی صفتم داشته اند/ آنچه استاد ازل گفت بگو، می گویم». ظاهراً سابقهٔ آشنایی دکتر جواد هیئت با پان تورکیست ها به زمانی بر می گردد که ایران در جنگ دوم جهانی در اشغال متفقین بود و نابسامانی مطلق بر کشور حکمفرما بود تا آن جا که حتی دولت ترکیه نیز درصدد برآمد از اوضاع آشفتهٔ ایران سوء استفاده کند، پس تعدادی بورس تحصیلی بیشتر

به جوانان ایرانی که ترک زبان بودند اختصاص داد. این جوانان به ترکیه رفتند و در دانشگاههای آن کشور به تحصیل پرداختند، و با پان تورکیسم نیز آشنا شدند. برخی از این دانشجویان پس از پایان تحصیل در ترکیه، با کوله باری از تئوریهای پان تورکیسم به ایران بازگشتند و به بیان و تبلیغ آراء پان تورکیست ها پرداختند. از حق نگذریم یکی از دانشجویان سابق دانشکدهٔ پزشکی دانشگاه استانبول که در دو دههٔ اخیر در این راه سنگ تمام گذاشته، همین دکتر جواد هیئت است، که در حکومت اسلامی ایران فرصت یافت با نشر مجلهٔ وارلیق به زبان ترکی، به طور ضمنی به نشر آراء پان تورکیستها بپردازد و از ستم «فارسها» به «ترکها» (مقصود ایرانیان ساکن آذربایجان و زنجان... که ترک زبانند نه ترک) بنالد، و برخی از جوانان بیخبر آذربایجانی را در داخل و خارج ایران به دشمنی با دیگر ایرانیان وادارَد. وی در این سالها دین خود را به استادان خود در ترکیه به طور کامل ادا کرده، و بدین جهت است که در یکی دو سال اخیر نیز خدماتش از سوی جمهوری آذربایجان و ترکیه به نحو شایسته ای مورد قدردانی قرار گرفته است.

برای آن که خوانندگان مجله، با آراء پان تورکیستها و پان تورانیستها بیشتر آشنا شوند، بخشهایی از کتاب آذربایجان از کهنترین ایام تا امروز، نوشتهٔ دکتر عنایت الله رضا را که تاکنون چند بار در ایران و خارج از ایران به چاپ رسیده است از نظر می گذرانیم و سپس بار دیگر به دکتر جواد هیئت پیر و مرشد این مکتب در ایران می پردازیم.

وی می نویسد:

از آغاز سدهٔ بیستم در سرزمین عثمانی - ترکیه - اندیشهٔ «پان تورکیسم» قوّت گرفت. نخست گروهی از ترکان کوشیدند «پان اسلامیسم» را به خدمت «پان تورکیسم» درآورند و حاکمیت ترکان را بر سراسر کشورهای اسلامی خاورمیانه و نزدیک مستقر گردانند. اینان از یک سو دربارهٔ اتحاد اسلام داد سخن می دادند و از سوی دیگر «پان تورکیسم» و اجزاء آن، از جمله «پان تورانیسم» را تبلیغ می کردند.

برای روشن شدن مقاصد «پان تورکیستها» جا دارد بخشی از تصویبنامهٔ کمیتهٔ مرکزی حزب «اتحاد و ترقی» که نموداری از به کار گرفتن پان اسلامیسم و قرار دادن آن در خدمت پان تورکیسم است، از نظر خوانندگان بگذرد.

در تصویبنامهٔ کمیتهٔ مرکزی حزب اتحاد و ترقی مورخ سال ۱۹۱۱ میلادی از تبدیل امپراتوری عثمانی به امپراتوری اسلامی سخن رفته و حق تأسیس سازمانهای ملی از سوی دیگر ملتهای مسلمان منع شده است. کمیتهٔ مرکزی حزب مذکور مدعی رواج زبان ترکی در سراسر امپراتوری اسلامی شد و آن را شرط لازم برای تثبیت حاکمیت ترکان و استحالهٔ دیگر ملتها دانست. تنها

نکته ای که در این تصویبنامه اندکی مبهم می نماید، واژهٔ «مسلمین» است. هرگاه واژهٔ «مسلمین» را برداریم و به جای آن واژهٔ «ترکان» را بگذاریم، مسأله تمام و کمال روشن می گردد. در تصویبنامهٔ مذکور چنین آمده است:

«امپراتوری [مقصود امپراتوری عثمانی ست؟] باید به امپراتوری اسلامی بدل شود و به هیچ ملت دیگری نباید حق تأسیس سازمان ملی ویژهٔ آن ملت داده شود [...] رواج زبان ترکی بهترین وسیله برای تثبیت حاکمیت مسلمین و استحالهٔ دیگر ملتهاست».

بی اختیار دو پرسش مطرح می شود [...]. در مورد نخست اگر مقصود تثبیت حاکمیت مسلمین باشد، آن گاه چه ضرورتی به زبان ترکی ست. حال آن که اکثر مسلمین منطقه به زبان عربی سخن می گویند. بدین سبب است که نگارنده اعتقاد دارد هرگاه واژهٔ «ترکان» را به جای مسلمین قرار دهیم، جمله بدین صورت در می آید: «رواج زبان ترکی بهترین وسیله برای تثبیت حاکمیت ترکان است».

و اما در مورد دوم همواره «استحالهٔ ملی» شامل مستحیل شدن ملت و یا مللی در ملت دیگر است. چنان که اشاره شد، هرگاه واژهٔ «ترکان» را به جای «مسلمین» بگذاریم و اندیشهٔ «رواج زبان ترکی» را نیز از نظر دور نداریم، مسأله روشن می شود و معلوم می گردد که هدف، استحالهٔ دیگر ملتها در «ملت ترک» بوده است.

چنان که ملاحظه می شود در کشور «ترکان عثمانی» ایدئولوژی «پان اسلامیسم» به عنوان وسیله ای در خدمت «پان تورکیسم» قرار گرفت. ولی در دوران ضعف امپراتوری مذکور، ایدئولوژی پان اسلامیسم اندک اندک از پان تورکیسم جدا شد.

ترکان جوان و بازماندگان کمالیست، آنان که پیرو مصطفی کمال معروف به «آتاتورک = پدر ترکان» بودند چون اتحاد اسلام را موافق مقصود نیافتند، راه «اتحاد ترکان سراسر جهان» را در پیش گرفتند و در این رهگذر ضمن تلاشهای سیاسی به کوششهای «علمی و پژوهشی» در مسیر یکی شمردن تاریخ و گذشتهٔ اقوام و ملل ترکی زبان پرداختند. در این زمینه چند دگرگونی و تحریف در مسایل تاریخی عنوان شد که عبارتند از:

۱- ترکی زبانان ساکن سرزمینهای آسیا و اروپا، گویا از جای دیگری به این نواحی کوچ نکردند، بلکه خود گویا از ساکنان اصلی این سرزمینها بودند.

۲- برای اثبات این اندیشهٔ نادرست، چاره ای نبود جز آن که اقوام باستانی سرزمینهای مذکور به عنوان اجداد و نیاگان ترکان وانمود شوند.

۳- برای این منظور لازم آمد ماهیت قومی و زبان اقوام کهن شرق، به ویژه آسیای مقدم مورد انکار قرار گیرد و به اصطلاح در آنها «تجدید نظر» شود.

هرگاه نوشتهٔ ضیاء گوک آلپ را که یکی از نظریه پردازان مشهور پان تورکیسم است اندکی مورد توجه قرار دهیم، پس آن گاه مسیر حرکت پان تورکیستهای کوچک و بزرگ و هدفشان روشن خواهد شد. وی در کتاب خود زیر عنوان مبانی ترک شناسی چنین نوشت:

« برخی از دانشمندان می کوشند تا به صورتی تصنعی ترکان، از جمله ترکان آسیای میانه، کرانهٔ رود ولگا، سیبری و آسیای صغیر را از یکدیگر جدا جلوه دهند و آنان را از ملتها و اقوام جداگانه به شمار آورند. هدف ما آن است که صد میلیون ترک را در ملتی واحد متحد گردانیم».

نظریه پردازان و تاریخ نگاران دیگر چون گون آلتای نیز ترکان را قدیمترین و کهنترین اقوام شرق دانسته اند و بر این عقیده اند که ترکان حدود پنج هزار سال پیش از میلاد، از آسیای میانه به سرزمینهای کنونی خویش نقل مکان کرده اند.

در دومین کنگرهٔ تاریخ ترکیه که از سوی جامعهٔ مورخان آن کشور برگزار شد، اکثر سخنرانان اعلام داشتند که «ترکان نخستین مشعلداران فرهنگ جهانی بودند».

مورخان ترک در اثبات این مقصود چندنکته عنوان کردند که تاکنون هرگز از دیدگاه تاریخ به ثبوت نرسیده و تأیید نشده است:

نخست آن که سرزمین آسیای میانه را جایگاه باستانی ترکان نامیده اند.

دو دیگر آن که «ترکان» را با «توران» و «تورانیان» یکی شمرده اند.

سه دیگر آن که اقوام بسیار کهن آسیای مقدم از جمله ایلامیان، شومریان، هوریان، کوتیان، کاسیان، میتانیان، هیتیان، اورارتیان، سوبارها و سرانجام مادها را از اقوام ترک دانسته اند.[۳]

در ضمن، با مرور آراء برخی دیگر از مورخان پان تورکیست، به هدفهای این مکتب بیشتر آشنا می گردیم. ضیاء گوک آلپ مورخ ترک می نویسد:

وطن ترکان نه ترکیه است و نه ترکستان بلکه وطن ترکان کشور بزرگ و جاودانی توران است.

وی در جای دیگر، خطاب به ترکی زبانان جهان نوشت:

ای فرزندان اوغوز خان هرگز کشوری را که توران نام دارد از یاد نبرید.[۴]

کرزی اغلو در کتاب خود زیر عنوان از هرجهت که بنگریم کردان ترک اند (انکارا، ۱۹٦٤)، در پیرامون کردان به بحث پرداخت و نوشت:

«کردان از جمیع جهات ترک اند». وی با انکار منشأ آریایی کردان و تعلق این قوم به زبانهای ایرانی نوشت «این نکته که کردان از جمیع جهات ترک هستند، واقعیتی ست روشن و انکارناپذیر، همانند آن که بگوییم دو ضرب در دو (٤=۲ X ۲) می شود چهار.»[۵]

شمس الدین گون آلتای در کتاب تاریخ قدیم شرق از تجاوز به سرزمین هخامنشیان نیز

خودداری نکرد و نوشت:

پدید آورندگان فرهنگ شوش و مهنجو-دارو اقوام ترک بوده اند.[۶]

عنایت الله رضا سپس آراء مورخان معروف جهان را دربارهٔ ترک نبودن ساکنان و اقوام باستانی آسیای میانه ذکر می کند: بارتولد ترک شناس برجستهٔ شوروی اقوام مذکور را از نژاد آریایی می داند.[۷] مورخان چینی، ایرانی، رومی، ارمنی، و تازی «کوچ ترکان به سرزمینهای بسیار دوردست آسیای میانه را سدهٔ ششم میلادی و در روزگار شاهنشاهی ساسانیان می دانند».[۸] بارتولد نیز معتقد است که «سدهٔ ششم میلادی نخستین دولت ترکان صحرانشین در آسیای میانه پدید آمد».[۹] از سوی دیگر محققان - به جز مورخان پان تورکیست - در این موضوع اتفاق نظر دارند که ترکان باستان در اراضی شمال چین می زیستند نه در آسیای میانه.[۱۰] بارتولد دربارهٔ اسامی ترکی در ماوراء النهر نوشته است:

ترکان پس از سقوط دولت سامانیان بیش از پیش به آن سامان [ماوراء النهر] مهاجرت و نقل مکان کردند و متدرجاً نام «ماوراء النهر» عربی به «ترکستان» بدل گشت و نامهای جغرافیایی ترکی پدید آمد. زبان ترکی به تدریج ایرانی [کذا] را از میدان به در کرد، گو این که این جریان در عهد فرمانروایی روسیان پیشرفت عظیمی کرده، تاکنون هم پایان نیافته است. اسامی جغرافیایی ترکی یکنواخت است و در سراسر ترکستان دائماً نامهای آق-کول، قرا-کول، آق-سو، قرا-سو و مانند اینها تکرار می شود. گاه نیز کلمات ایرانی پذیرفته شده به کار رفته است.[۱۱]

و ولادیمیر مینورسکی دربارهٔ تمام دعاوی پان تورکیستها حق مطلب را به این شرح ادا کرده است:

هرجا که مسایل علمی حل نشده ای در زمینهٔ فرهنگ اقوام شرق باستان پدید آید [...] ترکان بی درنگ دست خود را به همان جا دراز می کنند.[۱۲]

اکنون که با آراء پان تورکیستها به طور مختصر آشنا شدیم بد نیست بیفزاییم که برخلاف ادعای دکتر جواد هیئت که نوشته است پان تورکیسم و پان تورانیسم در ترکیه غیرقانونی ست، دولت ترکیه در عمل نه تنها مدافع آن است بلکه به صورتهای مختلف نیز به تبلیغ آن می پردازد زیرا کتابهایی که در سالهای اخیر در ترکیه در این زمینه به چاپ رسیده است یکی دو تا نیست. از جمله در همین شمارهٔ مجلهٔ ایران شناسی از کتاب فخرالدین الگونر که در سال ۱۹۸۵ در ترکیه به چاپ رسیده است نام برده ایم که به توسط وزارت فرهنگ و جهانگردی ترکیه به چاپ رسیده است و در آن ابن سینا اهل بخارا، فخرالدین رازی اهل ری، و خواجه نصیرالدین طوسی اهل طوس خراسان - و هر سه فارسی زبان - متفکران ترک نامیده شده اند. به علاوه اگر دکتر جواد هیئت و برخی از

پیروانش در ایران می گویند و می نویسند که ما «پان تورکیست» نیستیم و با آنان سر و سرّی نداریم و با آنان مخالفیم، در عمل آنچه را که پان تورکیستها در ترکیه و جمهوری آذربایجان می گویند و می نویسند، تکرار می کنند و می کوشند برای استادان خود شاگردانی مطیع و گوش به فرمان باشند. به این موضوع بسیار مهم توجه بفرمایید که وی به پیروی از پان تورکیستها، با سربلندی قومیت ایرانی را از هموطنان آذربایجانی ما سلب می کند و به صراحت می نویسد:

اوغوزها [ترکمانان] که اجداد ترکان آسیای صغیر و آذربایجان* و عراق و ترکمنها را تشکیل می دهند از اقوام ترک هستند و قبل از آن که اسلام بیاورند در شمال ترکستان زندگی می کردند.[۱۳]

یا

اوغوزهای جدید اجداد ترک زبانان ترکیه و آذربایجان و تراکمه را تشکیل می دهند و از قرن ۱۳ به بعد، یعنی بعد از مهاجرت به غرب و آمیزش با سایر ترکان (قبچاق، اویغور) و مغولها و اهالی محلی، لهجه های ترکی آناطولی و آذربایجانی و ترکمنی را به وجود آوردند...[۱۴]

یعنی ساکنان فعلی آذربایجان، برخلاف دیگر ایرانیان، نسبشان به اوغوزها می رسد. دکتر جواد هیئت مختار است که خود را با افتخار فرزند اوغوزها و ترکمانانی بنامد که صفحات تاریخ از قساوت و خونریزی و ویرانگری و بی فرهنگی آنان داستانها دارد، و البته این نیز با هموطنان ایرانی آذربایجانی شریف ماست که در ایران و خارج از ایران به سخنان زهرآگین و نَسَب سازی مغرضانهٔ او پاسخ بدهند.

دربارهٔ «اوغوزها» که به زعم دکتر جواد هیئت، آذربایجانیان از نسل آنها هستند، توضیح مختصر زیر را لازم می دانیم. خواجه رشید الدین فضل الله همدانی در جامع التواریخ در ضمن بحث پیرامون قوم ترکمان که به نظر وی از نسل غزّان هستند نوشته است:

از فرزندان اوغوز بیست و چهار شعبه پدید آمد چنان که در فهرست مفصل نوشته شد، هر یک نامی و لقبی معیّن یافتند و تمامیت ترکمانانی که در عالم انداز نسل این قوم اند و فرزندان بیست و چهارگانهٔ اوغوزاند. و لفظ ترکمان در قدیم نبوده و همه اقوام صحرانشینِ ترک شکل را ترک مطلق می گفته اند.[۱۵]

دکتر جواد هیئت نیز ضمن این که نوشته است اوغوزها مهمترین اقوام ترک هستند

* ناگفته نماند که دکتر جواد هیئت از یک آذربایجان سخن می گوید، نه از آذربایجان و اران یا آذربایجان و جمهوری آذربایجان.

افزوده است:

از قرن دهم میلادی اوغوزهای ناحیهٔ سیحون اسلام آوردند و از قرن یازدهم به طرف ایران و آسیای صغیر سرازیر شدند و از طرف مسلمانان به نام ترکمن نامیده شدند به طوری که بعد از دو قرن نام ترک و ترکمن جای اوغوز را گرفت. در سال ۱۰۳۵ میلادی، قسمتی از اوغوزها به خراسان آمدند و بعد از جنگ و جدال بالاخره خراسان را از غزنویان گرفتند و دولت سلاجقه را تشکیل دادند.[۱۶]

تصور نفرمایید دکتر جواد هیئت شخصاً به این نتیجه رسیده است که نیاکان نامدارش اوغوزها و ترکمانانند و خود وی «اوغوز زاده» و «ترکمان زاده» ای بیش نیست. خیر. او در این مورد یکی دیگر از تئوریهای بی پایهٔ پان تورکیستها را طوطی وار تکرار کرده است. پیش از این گفتم که ضیاء گوک آلپ مورخ پان تورکیست در چند دههٔ پیش، همه ترکی زبانان جهان را فرزندان اوغوز خوانده است: «ای فرزندان اوغوزخان هرگز کشوری را که توران نام دارد از یاد نبرید». پس دکتر جواد هیئت نظریهٔ استاد گوک آلپ را در کتاب خود، سیری در تاریخ زبان و لهجه های ترکی، به زبان فارسی تکرار کرده است. در این مورد آیا قسم حضرتِ عباسِ دکتر جواد هیئت را باور کنیم که مطلقاً با پان تورکیستها ارتباطی ندارد، یا دُم خروسِ نظریه های بنیادی پان تورکیستها را که از جیب او آشکارا نمایان است!

ملاحظه می فرمایید که خواجه رشیدالدین فضل الله (حدود ۶۴۵-۷۱۸هـ. ق.) تصریح می کند که «لفظ ترکمان در قدیم نبوده و همه اقوام صحرانشین ترک شکل را ترک مطلق می گفته اند»، و دکتر جواد هیئت نیز در سال ۱۳۶۵ می نویسد: «اوغوزها «... از طرف مسلمانان به نام ترکمن نامیده شدند به طوری که بعد از دو قرن نام ترک و ترکمن جای اوغوز را گرفت.» یعنی: اوغوز = ترکمان (ترکمن) = ترک.

در این جا باید نخست بر این واقعیت تأکید کنیم که ساکنان آذربایجان که چند قرنی ست به ترکی سخن می گویند، برخلاف رای پان تورکیست ها، «ترک زبان» اند نه ترک = ترکمان (ترکمن) = اوغوز. در نتیجه آنچه در ادب فارسی از قرن پنجم هجری به بعد در مذمت ترکان گفته شده است بی تردید دربارهٔ ترکمانان و اوغوزهاست:

وفا نآید از ترک هرگز پدید   وز ایرانیان جز وفا کس ندید
اسدی طوسی

که در این بیت «ترک» دقیقاً در برابر «ایرانی» قرار گرفته است.

ما خود ز تو این چشم نداریم ازیراک   ترکی تو و هرگز نبود ترک وفادار
سنایی

تـا ولایـت بـه دسـت ترکـان اسـت مـرد آزاده بـی زر و نـان اسـت
ناصر شمس معروف به کافرک غزنوی

چـو تیـغ چوبیـن در عهـد مـا امیـرانند که نانشان نتوان زد به هیچ وجه به تیر
درازگوشـی بـر چارپـایی افتـاده درازگوش، امیر، و چهارپای سریر[17]
اثیرالدین اخسیکتی

این گونه اشعار همان طوری که در جای دیگر نوشته ام اختصاصی به دورهٔ پیش از مغول ندارد. شاعران فارسی زبان دوره های بعد نیز بارها از ستم ترکمانان و ترکان نالیده اند. یکی از آنان بدر شروانی (متولد ۷۸۹ هـ.ق. در شماخی، مرکز ایالت شروان در قفقاز - درگذشت ۸۵۴ در همان شهر یا باکو) ست. وی ترکی می دانسته و ابیاتی به ترکی از او در دست است، چنان که واژه های ترکی نیز در اشعار فارسی خود به کار برده است، او در شعر خود بارها از ترکمانان قراقویونلو - به جز جهانشاه - به بدی یاد کرده است. از جمله در حملهٔ قرایوسف به گرجستان و ویرانی شماخی در سال ۸۱۵:

... گر شماخی شد خراب از ترکمانان غم مخور مکه هم گشت از جفای لشکر مشرک خراب
گر ز راه آن ددان دوری گزیدی عیب نیست آدمی باید که خود را دور دارد از کلاب
از سگ دیوانهٔ کف کرده باید احتراز بد بود گر دامنی آلوده سازد از لعاب...

شاعر در دست ترکمانان اسیر بوده است:

گاه ظلم ترکمان در خانه ام آتش زند گه بلای ترک چشمان در دلم غوغا کند

و نیز به مناسبت اسارت خود در دست ترکمانان در تبریز سروده است:

بود امیدم که در تبریز عشرتها کنم من چه دانستم کز این سودا چه آید بر سرم...
هست در وی دزد و حیز و... از سگ بیشتر [کذا] گر در این معنی دروغی گفتم از سگ کمترم
خسته ام در چنگل مردارخور زاغان چند گرچه چون طوطی بپرورده به شهد و شکرم[18]

ملاحظه می فرمایید دکتر جواد هیئت به تبعیت از پان تورکیستها در نسب نامهٔ سراپا مجعول خود، چه قوم خونخوار و ویرانگر و نادانی را نیاکان آذربایجانیان معرفی کرده است!

* *

در پایان لازم است به اطلاع خوانندگان ایران شناسی برسانم که کوششهای دکتر جواد هیئت در ایران، از نظر تیزبین استادان مکتب پان تورکیسم در ترکیه و جمهوری آذربایجان مخفی نمانده است و بدین جهت در سالهای ۱۹۹۶ و ۱۹۹۷ به ترتیب در باکو و استانبول به نحو چشمگیری از وی به شرح زیر تجلیل به عمل آمده است.

دانشگاه آذربایجان در سال ۱۹۹۶ در مراسمی که به مناسبت هفتاد و پنج سالگی دکتر

حمید نطقی برپا داشت از جمله به دکتر جواد هیئت عنوان استادی افتخاری آن دانشگاه را اعطاء کرد.[۱۹]

در ماه مارس ۱۹۹۷ نیز دانشگاه استانبول به تجلیل از خدمات ادبی وپزشکی دکتر جواد هیئت پرداخت. رئیس آکادمی زبان و ادبیات ترکی او را دایرة المعارف زنده نامید. دیگری از شهرت جهانی دکتر جواد هیئت در زمینهٔ جراحی و ادبیات سخن گفت. سرکنسول جمهوری آذربایجان در استانبول از سوی نویسندگان جمهوری آذربایجان دربارهٔ دکتر جواد هیئت سخن گفت. رئیس انجمن جراحان جمهوری آذربایجان وی را ستود. رئیس دانشگاه استانبول به او که فارغ التحصیل دانشکدهٔ پزشکی همان دانشگاه است لباس استادی دانشکدهٔ ادبیات آن دانشگاه را پوشاند و به وی درجهٔ دکتری افتخاری ادبیات ترکی را همراه یک مدال اعطاء کرد. رئیس آکادمی زبان ترکی کشور ترکیه نیز که از آنکارا در این مراسم حضور یافته بود او را به عضویت افتخاری آن آکادمی مفتخر ساخت. رئیس دانشکدهٔ پزشکی دانشگاه استانبول، به مناسبت خدمات پنجاه سالهٔ دکتر جواد هیئت در رشتهٔ جراحی، لباس استادی دانشکدهٔ پزشکی را به او پوشاند. در ضمن اجرای این مراسم، تلگرامهای تبریک فرماندار و شهردار استانبول نیز به وی تسلیم گردید. در این آیین سر کنسول جمهوری آذربایجان در استانبول نیز حضور داشت و در پایان مراسم نیز یکی از هنرمندان جمهوری آذربایجان برنامه ای اجرا کرد.[۲۰]

یادداشتها:

۱- دکتر جواد هیئت، نامه ای دربارهٔ مقالهٔ «آذربایجان کجاست؟»، ایران شناسی، سال ۲، ش۳ (پائیز ۱۳۶۹)، ص ۶۷۳-۶۸۳.

۲- دکتر جواد هیئت، «پان تورکیزم، آرمان بی اعتبار»، کیهان، تهران، شمارهٔ ۱۴۳۳۸ مورخ ۲۸ آبان ۱۳۷۰ (نیز، ایران شناسی، سال ۳، ش۴، زمستان ۱۳۷۰، «خطر پان تورکیسم برای امنیت ملی ایران»، ص ۸۷۱-۸۷۳).

۳- دکتر عنایت الله رضا، آذربایجان از کهنترین ایام تا امروز (آذربایجان و اران)، انتشارات مرد امروز، آلمان، چاپ دوم، خرداد ۱۳۶۷، ص ۵۹-۶۳. توضیح آن که این کتاب در سال ۱۳۷۲ از روی چاپ اول، با عنوان آذربایجان و اران (آلبانیای قفقاز)، به توسط موقوفات دکتر محمود افشار یزدی در تهران، تجدید طبع گردیده است.

۴- همان کتاب، ص ۸۴، به نقل از: *Encyclopaédia de l'Islam*, l'article "Turan, Pan-turkism=Pan-turanisme, par Minorsky, Livraison N., P. 224, 930.

۵- همان کتاب، ص ۱۰۱.

۶- همان کتاب، ص ۱۰۱-۱۰۲.

۷- همان کتاب، ص ۶۳، به نقل از: Bartold V.V., Sochineniia, tom II, chast 1, Izdatelstvo Vostochnoi Literatury, Moskva, 1963, str 109.

۸- همان کتاب، ص ۷۴.

۹- همان کتاب، ص ۷۵، به نقل از: Bartold V.V., Sochineniia, tom II, chast 1, ... str. 31.

۱۰- همان کتاب، ص ۷۶-۷۷.

۱۱- همان کتاب، ص ۸۱، به نقل از: بارتولد، و.، آبیاری در ترکستان، ترجمهٔ کریم کشاورز، انتشارات مؤسسهٔ مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۵۰، ص ۲۸.

۱۲- *Encyclopaēdia de l'Islam*, l'article "Pan-turanisme, par Minorsky, Livraison N., P. 224.

۱۳- دکتر جواد هیئت، سیری در تاریخ زبان و لهجه های ترکی، تهران، ۱۳۶۵، ص ۱۱۳.

۱۴- همان کتاب، ص ۱۱۸.

۱۵- خواجه رشید الدین فضل الله، جامع التواریخ، به کوشش دکتر بهمن کریمی، تهران ۱۳۳۸، به نقل از دکتر عنایت الله رضا، آذربایجان از کهنترین ایام تا امروز، ص ۱۸۸.

۱۶- سیری در تاریخ زبان و لهجه های ترکی، ص ۱۱۳-۱۱۵.

۱۷- رک. ذبیح الله صفا، تاریخ ادبیات در ایران، جلد دوم، فصل دوم: «وضع اجتماعی ایران از آغاز تسلط سلاجقه تا حملهٔ مغول»، ص ۶۸-۱۳۳.

۱۸- حشمت مؤید، «بدر شروانی و اشعارش، نظری به دیوانی بازیافته»، تحقیقات ایران شناسی در امریکا، (جشن نامهٔ استاد محمد علی جزایری)، به کوشش مهدی مرعشی، امریکا، ۱۹۹۴، ص ۶۰-۱۱۵، (ابیات در ص ۸۰-۸۱).

۱۹- *Reform*, Washington, D.C., year 2, No: 3-6, Autumn 1996, p 39.

توضیح: دکتر حمید نطقی کسی ست که بر کتاب سیری در تاریخ زبان و لهجه های ترکی تألیف دکتر جواد هیئت تقریظ نوشته است.

۲۰- *Reform*, Washington, D.C., year 3, No. 8, Spring 1997, pp. 21-24, 51-52.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

محمود امید سالار

«گُش شوراندن» و «ستیخ»

۱ــ گُش شوراندن:

دربارهٔ ترکیب گُش شوراندن در شاهنامه، ابتدا استاد خالقی مطلق و سپس من بنده مطالبی در ایران شناسی نوشتیم (نگاه کنید به همین نشریه، ج۷، ش ٤، زمستان ۱۳۷٤ ص ۸۷۵-۸۷۸، و پیش از آن به ج۵، ش ۳، پائیز ۱۳۷۲، ص ۶۷۹-۶۸۰). پس از آن تاریخ